



مقایسه داستان

«بوم و زاغ» کلیله و دمنه و «شیر و پیل» مرزبان نامه

علی صفی زاده

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه آزاد و پیام نور دلفان

چکیده

کلیله و دمنه و مرزبان نامه بدون هیچ گمان و گرافه جزو ارزشمندترین و ماندگارترین کتاب‌های نثر فارسی به‌ویژه در نثر فنی و مصنوع هستند و هر قشری - از محقق ادبی گرفته تا جامعه‌شناس، روان‌شناس، سیاسی‌دان و... - می‌تواند از این دو کتاب بهره‌مند شود. مقاله حاضر می‌کوشد حکایت «بوم و زاغ» از کلیله و دمنه را با حکایت «شیر و پیل» از مرزبان نامه مقایسه کند و سپس، ضمن نقد این دو داستان، آن‌ها را از لحاظ ریخت‌شناسی قصه واکاوی نماید.

کلیدواژه‌ها: کلیله و دمنه، مرزبان نامه، قهرمان، ضدقهرمان، قصه و داستان

مقدمه

اهمیت داستان در زندگی بشر:

در تاریخ زندگی بشر، داستان و قصه نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد و عشق به قصه‌گویی و شنیدن قصه در سراسر تاریخ با آدمی همراه بوده است. در قرآن کریم درباره مقام والای داستان، از باب تأثیری که در ارشاد و تربیت و تغییر دادن مردم دارد، چنین آمده است:

«لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب».

همانا در قصه‌گویی آنان برای خردمندان عبرتی نهفته است. (یوسف، ۱۱۱)

برای قصه‌گویی و داستان‌پردازی نمی‌توان تاریخ مشخص و قطعی تعیین کرد اما گروهی تصنیف و مکتوب کردن آن

را به ایرانیان نخستین نسبت داده‌اند. / این‌ندیم در «الفهرست» می‌گوید: «نخستین کسانی که به تصنیف خرافه‌ها (داستان‌پردازی) پرداختند و کتاب‌ها در این باب نوشتند و در گنجینه‌ها و خزاین نهادند و بعضی از این داستان‌ها را از زبان حیوانات نقل کردند، ایرانیان نخستین بودند و پس از ایشان پادشاهان اشکانی.» در دوره‌های بعد نیز حاکمان و امیران مشوق قصه‌گویان و تصنیف‌کنندگان داستان‌ها و افسانه‌ها بودند و قصه را وسیله‌ای برای سرگرمی و تفریح و آموختن می‌دانستند. «در تاریخ، اسکندر و همای چهر آزاد را از کهنه‌ترین دوستداران این افسانه‌ها نام برده‌اند.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۲)

دلیل وجود این همه حکایت در کتاب‌های آسمانی نیز این است که قصه نوعی تعلیم و تربیت غیر مستقیم به حساب می‌آید. در عین حال، نقش پنددهنده ندارد که موجب دلزدگی شود؛ زیرا انسان از اندرز و وعظ می‌گریزد و به ملامت نصیحت‌گران گوش فرا نمی‌دهد. (وزین‌پور، ۱۳۷۴: ۱۸۸)

معرفی اجمالی دو کتاب
کلیله و دمنه:

کتاب «کلیله و دمنه» (کرتکا و دمنکا) در اصل به زبان سانسکریت بوده و در دوران پادشاهی خسرو انوشیروان از هندی به زبان پهلوی برگردانده شده است. کلیله و دمنه هم در زمان ساسانیان و هم در دوران اسلامی، محبوبیت خاص داشت. (تفضلی،

۱۳۷۷: ۳۰۳).

کلیله و دمنه را برزویه طبیب از سانسکریت به پهلوی ترجمه کرد و بعد از آن / این مقفّع آن را به عربی برگرداند اما ترجمه فارسی این کتاب به دست / ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی صورت گرفته است که به «کلیله و دمنه بهرامشاهی» معروف است. این ترجمه در حدود سال ۵۳۶ انجام شده است. (صفا، ۱۳۷۳: ۹۵۰)

مرزبان نامه:

کتابی است به قلم / اسفهد مرزبان بن‌رستم به شروین از ملوک طبرستان (آل‌باوند). این کتاب در اواخر قرن چهارم هجری به لهجه قدیم طبری تألیف شده و کتابی است مشتمل بر حکایات و تمثیلات و افسانه‌های حکمت‌آمیز که به طرز و اسلوب کلیله و دمنه از السنه و حوش و طیور، دیو و پری فراهم آورده‌اند. (قزوینی، ۱۳۶۳: ۱۰۵۶).

مرزبان نامه را سعدالدین وراوینی در نیمه نخستین سده هفتم در میان سال‌های ۶۲۲ - ۶۰۷ از طبری به پارسی ترجمه کرد. تمام مطالب و قصص نه باب مرزبان نامه ساخته ذهن مرزبان (مؤلف اصلی) نیست بلکه وراوینی نیز از خود مطالبی بر آن افزوده است. همین طور نیز می‌توان پنداشت که برخی از مطالب خود مرزبان هم مأخوذ از روایات شفاهی و کتبی حوزه فرهنگی طبرستان و گیلان بوده باشد. (شمیسا، ۱۳۶۱: ۱۲۷۷) وراوینی در

در شیوه
داستان پردازی
بین کلیله و دمنه
و مرزبان نامه
تشابهات زیادی
وجود دارد و
موضوعاتی که در
برخی از ابواب
این دو کتاب به
کار رفته، کاملاً
نظیر یکدیگر
است

مرزبان نامه تشابهات زیادی وجود دارد و موضوعاتی که در برخی از ابواب این دو کتاب به کار رفته، کاملاً نظیر یکدیگر است. دو حکایت زیر نمونه‌ای از آن هاست و با این فرضیه تدوین شده که باب «بوم و زاغان» کلیله و دمنه در باب «شیر و شاه پیلان» مرزبان نامه اثر گذاشته است.

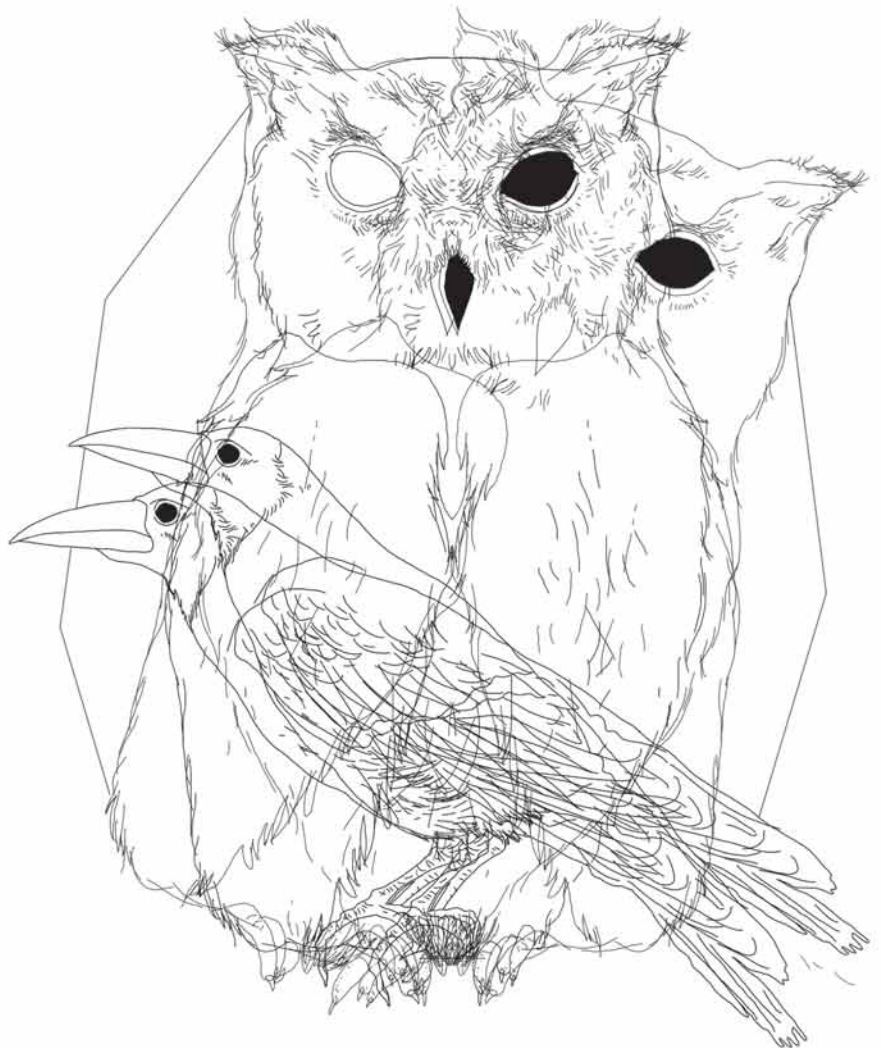
حکایت بوم و زاغ: (کلیله و دمنه: ۱۹۱) خلاصه داستان:

گروهی از زاغان روی درختی مسکن و مأوا داشتند. شبی گروهی از جغدان به خاطر دشمنی دیرینه به آن‌ها شبیخون زدند؛ عده‌ای را مجروح کردند و گریختند. فردای آن شب پادشاه زاغان با وزیران خود به مشورت پرداخت تا با جغدان مقابله کنند و از آن‌ها انتقام بگیرند. وزیر اول به ترک منزل و مأوا و دوری از خطر و جنگیدن توصیه کرد. وزیر دوم راه چاره را در مبارزه رویارویی دانست. وزیر سوم به تسلیم شدن و دادن خراج رأی داد، وزیر چهارم به صبر و مقابله و دفاع سفارش کرد و وزیر پنجم شیوه مکر و غدر را مؤثر دانست. پیشنهاد وزیر پنجم مورد موافقت قرار گرفت و او خود مأور شد تا نقشه خود را عملی سازد. زاغان وزیر را زدند و زخمی کردند و در راهگذر جغدان افکندند. روزی جغدان او را در آن حال یافتند و نزد شاه خود بردند. شاه جغدان در مورد چگونگی رفتار با زاغ زخمی یا همان وزیر پنجم با اطرافیان مشورت کرد. یکی از اطرافیان او را سزاوار مرگ دانست و دیگری به تکریم او توصیه کرد. در نهایت، زاغ در دربار جغدان پذیرفته شد و اندک‌اندک محرم اسرار شاه گردید و بر همه چیز وقوف یافت. او پس از مدتی، یکباره از فرصت استفاده کرد و از سرزمین جغدان گریخت. با اطلاعاتی که زاغ زخمی کسب کرده بود، زاغان به سرزمین جغدان هجوم آوردند و آن‌ها را شکست دادند.

حکایت شیر و شاه پیلان: (مرزبان نامه: ۴۵۷) خلاصه داستان:

در سرزمین پیلان، پیلی قوی هیکل و تنومند ظهور می‌کند و به پادشاهی می‌رسد. او دو برادر به نام‌های هنج و زنج دارد که وزیر هستند. زنج بدسیرت است و پیل را به تصرف سرزمین همسایه که شیری در آن سلطنت و فرمانروایی دارد - وادار می‌کند. هنج او را از این کار باز می‌دارد اما توفیقی نمی‌یابد. کلاغی بحث و جدال‌های شاه و برادرش را می‌شنود و به شیر خبر می‌دهد. شیر هراسان می‌شود

مورد تهذیب کتاب خود در مقدمه می‌نویسد: «آنک کتاب مرزبان نامه که از زبان حیوانات عجم وضع کرده‌اند و در عجم ماعدای کلیله و دمنه کتابی دیگر مشحون بغرایب حکمت و مشحون بر غایب عظمت و نصیحت مثل آن نساخته‌اند.» (رواینی، ۱۳۸۰: ۲۰) مرزبان نامه ورواینی از جمله شاهکارهای بلامنازع ادب فارسی در نثر مصنوع مزین است و می‌توان آن را سرآمد همه آن‌ها تا اوایل قرن هفتم دانست. داستان‌های کلیله و دمنه و مرزبان نامه تمثیلی هستند؛ یعنی خواننده علاوه بر معنای ظاهری، معنای باطنی آن‌ها را نیز درک می‌کند. تمثیل روایتی است که در آن عناصر و عوامل و اعمال و لغات و گاهی زمینه اثر نه تنها به خاطر خود و در معنی خود، بلکه برای اهداف و معانی ثانوی به کار می‌روند. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۴۹) در شیوه داستان پردازی بین کلیله و دمنه و





منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه محمد کاظم، معزی، نشر اسوه، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۹.
۲. تفضلی، احمد؛ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، سخن، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷.
۳. تقوی، محمد؛ حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، روزنه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
۴. شمیسا، سیروس؛ انواع ادبی، فردوس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳.
۵. —؛ مرزبان‌نامه و خاطره شکست دیوان، مجله چیست، شماره ۱۰، خرداد، ۱۳۶۱.
۶. صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات ایران، فردوس چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۷۳.
۷. قزوینی، محمد؛ مقالات، گردآورنده: ع - جریزه‌دار، اساطیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
۸. منشی، ابوالمعالی نصرالله؛ کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، امیرکبیر، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۷۳.
۹. وراوینی، سعدالدین؛ مرزبان‌نامه، تصحیح خلیل خطیب رهبر، صفی‌علیشاه، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۰.
۱۰. وزین‌پور، نادر؛ بر سمنند سخن، نشر فروغی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۴.

دشمنی باید به آن توجه داشت، اشاره شده و آن نقش جاسوس است.

پیام دو داستان و نتیجه‌گیری

پیام هر دو حکایت یکی است و در هر دو، زبان ظلم و تجاوز به دیگران به تصویر کشیده می‌شود و عاقبت وخیم آن آشکار می‌گردد. البته پیام‌های فرعی هم مثل فایده اتحاد در برابر دشمن، از خودگذشتگی، و مهم‌تر از همه، دشمن را دست‌کم نگرفتن و کوچک نپنداشتن، و نکوهش غرور را در آن‌ها به وضوح می‌توان یافت. همان‌طور که در آغاز هر دو حکایت دیده می‌شود، بوم بدون کوچک‌ترین دلیل و بهانه‌ای بر زاغ شیخون می‌زند و با پیل چون می‌شنود که جایگاهی پرآب و گیاه و نعمت در فلان سرزمین است، به شیران که در آنجا پادشاهی می‌کنند، حمله می‌کند. البته از نظر روابط علی و معلولی نیز می‌توان به این دو حکایت پرداخت. نکته آخر اینکه هر دو حکایت طرحی منسجم دارند و فضای داستان و شکل‌گیری حوادث در آن‌ها خوب پرداخته شده است.

و در تدارک امور تلاش می‌کند. پلنگ، گرگ و روباه و سایر خدمه شیر هر کدام کاری را به عهده می‌گیرند. گرگ به رسالت نزد شاه پیلان می‌رود تا شاید او را از این قصد منصرف سازد. پیل نیز سفیری نزد شیر می‌فرستد و از او باج و خراج طلب می‌کند. گرگ دوباره با جواب رد و طرحی نو نزد پیل می‌رود ولی شاه پیلان که سخت خشمگین شده است، او را از حمله‌ای قریب‌الوقوع باخبر می‌کند. حمله پیلان آغاز می‌شود و جنگی سخت در می‌گیرد. پیلان مغرورانه و بی‌باک پیش می‌رود ولی لشکر شیر احتیاط‌های لازم را به جای می‌آورد و در نهایت، لشکر پیلان را شکست می‌دهند. این دو حکایت در هر دو کتاب از حکایت‌های اصلی و مهم به شمار می‌آیند. در حکایت بوم و زاغ در کلیله و دمنه نویسنده نه حکایت فرعی را هم مطرح می‌نماید تا هم حکایت اصلی را به نحو احسن و بدون ابهام ساخته و پرداخته کند و هم توانایی‌های داستان‌پردازی خود را بروز دهد. در باب شیر و شاه پیلان در مرزبان‌نامه، نویسنده در خلال این حکایت اصلی پنج حکایت فرعی را مطرح می‌کند که قابل تحسین است. استشهادات و اشعار فارسی و عربی و آیه‌ها و احادیثی که در هر باب مورد استفاده قرار گرفته‌است، بسیار به مناسبت آمده‌اند و به فهم مطلب و حکایت بسیار کمک می‌کنند و این مورد ضعفی دیده نمی‌شود.

در این دو حکایت، جدال و حادثه و درگیری بسیار قوی و در سطح بالایی است؛ زیرا در هر دو آن‌ها زور و توانایی‌های دو طرف تا حدودی یکسان است. در آغاز داستان مرزبان‌نامه، پیل با هنج و زنج دو وزیر خود در مورد جنگ با دشمن و لزوم جنگ یا حفظ صلح به مشورت می‌پردازد. همین‌طور در ابتدای باب «بوم و زاغ» در کلیله و دمنه، «زاغ» با نزدیکان خود در همین مورد مشورت می‌کند. در این هر دو قسمت، بین معانی و مضامین دو کتاب تشابه زیادی می‌توان پیدا کرد.

نکته بسیار مهمی که در هر دو باب به وضوح مشاهده می‌شود، اطناب است که هر کدام از شخصیت‌ها و قهرمانان تا می‌توانند حرف می‌زنند و حتی گاهی در خلال سخنانشان داستانی را نیز مطرح می‌نمایند یا آیه و حدیث و یا شعری را بر زبان جاری می‌کنند.

نکته دیگر که از محتوای هر دو داستان مستفاد می‌شود این است که در جنگ باید انواع راه‌ها و رسوم جنگی را نقد و بررسی کرد و شرط پیروزی بر دشمن داشتن اتحاد و همدلی است. در حکایت بوم و زاغ به مسئله بسیار مهمی که در جنگ و